

گفت‌وگو با عاطفه مسعودشاهی که مرجعی مطمئن برای شناخت کالای ایرانی در شبکه مجازی راه انداخته است

# یک خرید ایرانی

این روزها حرف از کالای ایرانی زیاد شده است؛ آنقدر زیاد که هرکدام از تولیدکننده‌ها سعی می‌کنند محصولشان را به مخاطب معرفی و خیالشان را از انتخاب محصولی ایرانی مطمئن کنند؛ اما واقعاً چقدر این هدف محقق شده و ما کالاهای خوب ایرانی را مثل نمونه خارجی‌شان می‌شناسیم؟ شناخت و آگاهی درباره انواع محصولات ایرانی و البته با کیفیت، همان چیزی است که عاطفه مسعودشاهی، روی آن دست گذاشته است؛ آنقدر که صفحه‌ای به نام قیصریه در شبکه مجازی راه انداخته است و محصولات ایرانی مورد اطمینان در زمینه‌های مختلف را معرفی می‌کند؛ صفحه‌ای که می‌تواند مرجعی برای شناخت تولیدکننده‌های ایرانی باشد. با او درباره ایرانی‌زده شدن کار و البته زندگی شخصی‌اش صحبت کردیم و در نهایت به جایی رسیدیم شاید گاهی، مایل نبودن مان به خرید کالای ایرانی، از شناخت نداشتن و ناآگاهی درباره وجود چنین کالایی از نوع ایرانی‌اش باشد.

نرگس خانعلی‌زاده

روزنامه نگار

## این با کیفیت بدون مخاطب

«همه چیز از بازارچه‌ای در شب یلدای سال گذشته شروع شد.» این را عاطفه مسعودشاهی درباره بازارچه‌ای می‌گوید تولیدکننده‌های محصولات دست‌ساز ایرانی در آن حضور داشتند؛ اما آن‌طور که باید مورد استقبال قرار نگرفتند؛ «من در این بازارچه محصولات بسیار زیبا و از آن مهم‌تر با کیفیتی را دیدم که فکرش را نمی‌کردم ایرانی باشند اما بودند، در حالی که متأسفانه بازخوردی را که لایق‌شان بود نمی‌گرفتند؛ راستش بعد از این که بیشتر با آنها آشنا شدم، فهمیدم مشکل کارشان در نحوه ارائه محصولشان است و هیچ‌وقت نتوانسته‌اند آن‌طور که باید، مخاطب‌شان را پیدا کنند.» و از همان جا این دغدغه در ذهن خانم مسعودشاهی شکل گرفت که چطور می‌تواند واسطه‌ای برای معرفی محصولی به این خوبی باشد. از نظر او توصیه کلامی به یک نفر، دو نفر، ۱۰ نفر کافی نبود؛ «در واقع به نظرم حیث بود در این شرایط اقتصادی، یک محصول ایرانی خوب بدون مخاطب و مشتری بماند؛ آن هم با کیفیتی که واقعاً قابل رقابت با کالای مشابه خارجی خودش بود.» اما جرقه شروع فعالیت حمایتی و البته کسب و کار خانم مسعودشاهی، بعد از شیوع ویروس کرونا زده و عملی شد؛ «کرونا که آمد، آن موضوع که فکر می‌کردم تولیدکننده ایرانی نادیده گرفته شده است، بیشتر به چشم آمد و دغدغه‌ام تشدید شد؛ همه کسب و کارها از رونق افتادند و در این بین تولیدکننده‌های ایرانی بیشتر از قبل نادیده گرفته شدند.» و همین شد تصمیمش را عملی کرد و به فضای مجازی روی آورد و صفحه‌ای با هدفی مشخص شکل گرفت؛ «راه‌اندازی صفحه‌ای اختصاصی برای معرفی کالاهای با کیفیت ایرانی.» کیفیت؛ واژه‌ای که ظاهراً تکراری شده است اما همین واژه بهانه‌ای برای فرار از خرید کالای ایرانی شده است. بهانه‌ای که البته در موارد بسیاری قابل قبول نیست؛ «و همه چیز را نباید به همدیگر ربط داد. بله کالای ایرانی کم‌کیفیت هم داریم اما چرا به خاطر آن، از خوب‌هایش بگذریم؟»

## ارزش خانوادگی

اما چرا قیصریه؟ «دنبال اسمی بودم که نشان‌دهنده بازاری برای محصول ایرانی باشد و در این بین یاد سرای قیصریه افتادم اما بعد آن را به قیصریه خلاصه کردم و فکر می‌کنم نامش شبیه بازارهای سنتی و ایرانی باشد و چنین چیزی را برای مخاطب تداعی می‌کند.» اما قیصریه اولین تجربه خانم مسعودشاهی ۳۳ ساله برای انتخاب فعالیت به عنوان شغل نیست. پیش از این کار هم فعالیت‌های متفاوتی در جوانی مثل عکاسی و مربیگری کودک را تجربه کرده اما به دنیا آمدن فرزندانش، همه چیز آنقدر چرخیده و چرخیده که امروز به اینجا رسیده است؛ «حالا من یک مادر خانه‌دار و یک فعال مجازی در زمینه معرفی محصولات ایرانی هستم.»

موضوعی که اتفاقاً به واسطه دغدغه بودنش در خانه و خانواده، به بچه‌ها هم منتقل شده و آنها هم ناخودآگاه در جریان ماجرا قرار گرفته‌اند؛ «خب طبیعتاً برایم مهم است فرق بین ارزش و ضد ارزش را بدانند؛ چیزی که اتفاق هم افتاده و بچه‌ها از روی خریدها و حرف‌های ما در خانه، هوشیار شده‌اند که در خرید، ایرانی بودن برایمان مهم است.» و حالا پسر ارشد خانم مسعودشاهی، هرچرا که واژه ایرانی نوشته شده باشد، به مادر نشان می‌دهد که عه، مامان اینجا ایرانی فروشی است؛ «البته در این بین تیزرهای تبلیغاتی هم تأثیر زیادی در شناخت کالای ایرانی و خارجی برای بچه‌ها داشته است؛ موضوعی که از بابت آن خیلی خوشحالم و عمیقاً معتقدم این یک انتقال ارزش است باید در نسل‌های بعدی بیشتر از امروز وجود داشته باشد.»

## ایرانی می‌خرم؛ اما...

اما عاطفه مسعودشاهی هیچ‌وقت این ادعا را ندارد خودش در زندگی شخصی به طور صد در صد از کالاهای ایرانی استفاده می‌کند؛ «ترجیحم کالای ایرانی است اما خودم را اجبار نمی‌کنم؛ مثلاً خیلی کم پیش می‌آید برای بچه‌هایم پوشاک غیرایرانی بخرم چون تجربه خیلی خوبی از لباس‌های ایرانی داشته‌ام و وقتی چنین اتفاقی ممکن است، چرا آن را از خودم و از تولیدکننده‌های ایرانی دریغ کنم؟ در اصل ماجرا این است که فقط برای این که بگویم ایرانی می‌خرم هزینه‌ای، حتی بیشتر از جنس‌های خارجی بابت جنس کم‌کیفیتی نمی‌دهم که بعد از دوبار شستن ممکن است خراب شود. برای همین می‌روم و در انبوه کالاهای ایرانی، بهترینش را انتخاب می‌کنم؛ یک بازی دو سر برد.» برای همین، خانم مسعودشاهی برای کسانی که از تلفن همراه خارجی‌اش می‌پرسند دلیل قابل قبولی دارد؛ «درست است که در این زمینه هم محصولات ایرانی خوبی به بازار آمده ولی هنوز آن چیزی که مدنظرم است را در بین آنها ندیده‌ام؛ اما به دور از شعار و کلیشه، در اولین فرصتی که تلفن همراهی با کیفیت دوربین دلخواهم، برنامه‌های مورد نظرم و هر آن چیزی که از یک تلفن همراه ایده‌آل، آن هم با عمری طولانی و قابل قبول انتظار دارم ببینم، حتماً انتخابش خواهم کرد.» کاری که خانم مسعودشاهی در خیلی از جنبه‌های دیگر زندگی شخصی‌اش هم انجام داده است و تعداد متعدد کالاهای ایرانی خانه‌شان، این را ثابت می‌کند.